

جیب همه را چه می خراشد هربار
از بس که هزینه می تراشد هربار

صامره حبیبی - شاعر

بیکار که نیست می تلاشد هربار
انگار تراش مدرسه کند شده



حسین احمدی
طراح



نوک کرهای کاکل کرهای

بهزاد توفیق فر

شاعر



زاغکی قالب پنیری دید. به دهان برگرفت
و زود پرید رفت زاغچه هایش را برداشت
تا ببرد و در مدرسه غیردولتی غیرانتفاعی
«نوک پروان فردای پرسفید» ثبت نام کند.
همین که وارد دفتر مدرسه شد دید رویاهی
پشت میز مدیریت نشسته و دارد جوجه های
خروسی را ثبت نام می کند. تا نوبتش بشود
بروشور مدرسه را ورق زد و از دیدن عکس های
فعالیت های مدرسه در سال گذشته کیفور
شد. خیس شدن جوجه ها در جوی کوچه.
بازدید زاغچه ها از لوله دودکش کارخانه در
حال کار. چیدن پرها توسط متخصص دارای
بورداز مرغداری.

سوراخ کردن نوک بدون درد و خونریزی.
پرتاب پرنده با منجنیق. برگزاری کارگاه
جلوگیری از تخم گذاشتن در لانه و خیلی
فعالیت های فوق برنامه و ذیل برنامه دیگر.
زاغکی داشت همینطور ذوق می کرد و در
ذهنش به بقیه کلاغ ها و کبوترها فخر
می فروخت که رویاهی صدایش کرد. زاغکی
با خوشحالی قالب پنیری را روی میز رویاهی
گذاشت و گفت: اسم این دوتا زاغچه های
من را بنویسید که از مترسک مرخصی ساعتی
گرفتم و باید زود برگردم. رویاهی نگاهی به
قالب پنیری کرد و نگاهی به چشم های
ذوق زده زاغکی.

دستی به دمپش کشید و گفت: بله بله
حتماً. این قالب پنیری بابت کمک شما به
ساخت پارکینگ کادر مدرسه. دو قالب هم
از همین پنیر لطف کنید برای نصب نرده
شاخ گوزنی روی دیوار مدرسه. سه قالب هم
حلولاً ارده بزرگ اون طرف تحویل بدید بابت
هزینه های ایاب و ذهاب و سرویس. چهار
قالب کره لطف کنید برای کلاس فوق العاده
زبان ترکی استانبولی که بچه ها توی آزمون
ورودی مدرسه نمره لازم رو کسب کنند. البته
که کره ها حتماً حیوانی باشه. اگر کره بادوم
زمینی هم باشه قبوله ولی حتماً کره ای باشه.
ما اینجا خیلی به دندونای پرنده های کوچولو
اهمیت می دیم برای همین دوتا ظرف
سرشیر محلی و سه تا کوزه عسل هم برای
هزینه چکاپ متخصص دندون پزشکی
پرندگان هست که ماهی یه بار از پاریس میاد
دندونای جوجه ها و زاغچه ها رو می شمرد
و میره.

ضمناً دوره های ماساژ لب و بوتاکس کاکل هم
هست که... زاغکی پرید وسط حرف رویاهی
و گفت: ببخشید اینایی که گفتین غیر از
شهریه است؟ رویاهی لبخندی رویاهی زد و
گفت: خواهش می کنم.

حتماً مستحضری که هزینه های تربیت و
پرورش این روزها چقدر زیاد شده و دولت
هم هیچ کمکی به ما نمی کنه و ما برای
تأمین هزینه های مدرسه روی دُم های
خودمون... یعنی در واقع روی پُرای شما
حساب کردیم!



دیا لوگ حدسی

دبیرکل: اینجا باید سخنرانی کنید جناب رئیسی.
رئیسی: ولی من سخنرانی نمی کنم می خوام مثل بولدزر از روی
استکبار رد بشم.

دبیرکل سازمان ملل: بفرمایین تورو خدا خانم بچه ها شام
درست کردند، قدم رو چشم ما بذارید.
رئیسی: نه والا! خیلی کار دیگه رو زمین مونده.

فرشته پناه

عباس داوری

هردم از این باغ...

مینا گودرزی

شاعر



هست اندر سر هوای کودتای تازه ای

چور باید کرد فوراً دعای تازه ای

گوش های مخملی چون نرم و گرم و راحت است
می نشیند تخت در عمقش «برای» تازه ای

تا دوباره داغ گردد بحث روح شادها
باید افتد در تنورای نانوائی تازه ای

«کاش می شد میکس گردم توی خاک خارج»
آدم معمولی ای کرده دعای تازه ای

پای شیری* اوفتاد و پای دائم سبز شد!
پای دندان طمع و اشد به جای تازه ای

ارده در یک دست و اندر دست دیگر هم عسل
رونق این عیش؟ گفتم چیست! پای تازه ای

«اگه بچنی به هر حال هر جنبشی طبیعتاً
همه جنبندگان خب جنبش برای در صورت!»

توی بیت قبل داده ورد جادوگر به شعر:
قالی تازه، عروضی نو، هجای تازه ای

یک سلبریتی فرورفته ست در نقشش عمیق
فیلم کرده عده ای را با ادای تازه ای

می فروشد توی پیج خود لباس پادشاه
تا مگر گیرد ز عریان شاپ «کاه» تازه ای

لاجرم آدم نشد! هر قدر گاو مش حسن:
در علفزار سوئیس سرداد «ما»ی تازه ای